

نوع مقاله پژوهشی

موانع شکل‌گیری رژیم همکاری زیست‌محیطی در خاورمیانه

فرزاد رستمی^۱، زهرا زنگنه^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۰۲

چکیده

مدیریت بحران‌های منطقه‌ای، نیازمند شکل‌گیری همکاری و همگرایی میان کشورهای یک منطقه است. حل بحران‌های زیست‌محیطی نیز از جمله مسائلی است که از این قاعده مستثنا نیست. بدیهی است که در صورت عدم شکل‌گیری همگرایی منطقه‌ای، مدیریت این بحران با چالش جدی روبه‌رو خواهد شد. بحران زیست‌محیطی، به‌ویژه بحران ریزگردها که در سال‌های اخیر چالشی جدی برای منطقه خاورمیانه بوده است، همکاری کشورهای منطقه را می‌طلبد؛ اما برخلاف انتظار، تاکنون کشورهای منطقه، تمایلی به شکل‌گیری یک رژیم همکاری دسته‌جمعی از خود نشان نداده‌اند. در این پژوهش، موانع فراروی شکل‌گیری این همگرایی را بررسی خواهیم کرد. پرسش اصلی پژوهش این است که «موانع فراروی شکل‌گیری رژیم همکاری زیست‌محیطی در خاورمیانه چیست؟» فرضیه پژوهش این است که «مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی، نیازمند مجموعه‌ای از عوامل، همچون اجماع‌سازی، به‌کارگیری دیپلماسی چندجانبه، و رژیم‌های بین‌المللی است؛ اما در مقطع کنونی در منطقه خاورمیانه، وجود بحران‌ها و کشمکش‌های سیاسی‌ای مانند اشغال عراق، دگرگونی‌های ۲۰۱۱، و پیامدهای آن و نیز اختلافات هیدروپلیتیک میان کشورهای منطقه، شرایط نامساعدی را برای مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی، از جمله مسئله ریزگردها، رقم زده است. در این پژوهش از روش تحلیلی-توصیفی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: خاورمیانه، بحران، محیط زیست، ریزگرد، رژیم همکاری، امنیت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)، کرمانشاه، ایران F.rostami1361@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران zahrazangene04@gamil.com

Barriers to the formation of an environmental cooperation regime with an emphasis on particulate matter

Farzad Rostami¹, Zahra Zanganeh²

Abstract

Managing regional crises requires the formation of cooperation and integration between countries in the region. Solving environmental crises is one of the issues that is no exception. Obviously, in the absence of regional convergence, managing this crisis will face a real challenge. The environmental crisis, in particular the crisis of the microstates, which has been a serious challenge to the Middle East region in recent years, calls for regional cooperation. But contrary to expectations, countries in the region have not been willing to form a cooperative regime. In this research, the barriers to the formation of this convergence have been investigated. The question is, what are the barriers to the establishment of an environmental cooperation regime in the Middle East? The thesis hypothesis is that managing environmental crises requires a set of factors such as consensus, multilateral diplomacy and international regimes, in the current Middle East region, the existence of crises and political conflicts, including the occupation of Iraq, the developments of 2011. Its implications as well as hydro-political disputes between countries in the region have created unfavorable conditions for the management of environmental crises, including the problem of waterfalls. In this thesis, the analytical-descriptive method has been used.

Keyword :Middle East, Crisis, Environment, Rising, Cooperative, Security.



1. Assistant Professor and Faculty Member of Razi University F.rostami1361@gmail.com
2. Master of International Relations, Razi University

مقدمه

به نظر بسیاری از پژوهشگران، در نظام بین‌المللی کنونی، امنیت چهره سنتی و نظامی خود را از دست داده و بعدی غیرنظامی یافته است؛ آسیب‌های زیست‌محیطی، دیگر تنها بحران‌هایی طبیعی نیستند، بلکه می‌توانند گسترده‌ای از پیامدها و بحران‌های امنیتی را در پی داشته باشند. پهنه گسترده بحران‌های زیست‌محیطی و اهمیت آن‌ها، کم‌وبیش اقدامات و اختیاراتی فراتر از سطح ملی را می‌طلبد و در نتیجه، دولت‌ها را به درپیش گرفتن مسیری برای همکاری‌های مشترک منطقه‌ای یا بین‌المللی مجبور خواهد کرد. یکی از خطرناک‌ترین تهدیدهای زیست‌محیطی که در سال‌های اخیر منطقه خاورمیانه را درگیر کرده است، پدیده ریزگردهاست که اگر برای رفع آن چاره‌ای اندیشیده نشود، هزینه‌های جبران‌ناپذیری را به دولت‌های درگیر این پدیده تحمیل خواهد کرد. در دهه‌های اخیر، به دلیل تغییرات شدید اقلیمی و وقوع خشکسالی‌های پی‌درپی و طولانی‌مدت، آلودگی هوا روند روبه‌رشدی داشته است. جریان‌های خشک هوای عربستان و تقسیمات آبی نامناسب رودخانه‌های دجله و فرات و سرچشمه‌های آن از سوی کشورهای ذی‌نفع، از دیگر عواملی هستند که به گسترش بیابان‌ها در عراق و سوریه و بخش‌هایی از ایران انجامیده و سبب ایجاد نواحی غبارساز شده‌اند. در این بحران، کشورهای چوچون ایران، عراق، عربستان، اردن، یمن، ترکیه، قطر، کویت، امارات متحده عربی، و کشورهای دیگری اثرگذار یا متأثر از ریزگردهای عربی هستند. امنیت محیط زیست به مدیریتی پایدار و ماهیت ارتباطات میان دولت‌ها وابسته است. براین اساس، به‌رغم برگزاری نشست‌های گوناگون منطقه‌ای در این زمینه، متأسفانه، جنس بحران، حل آن را با دشواری روبه‌رو کرده است؛ زیرا نیازمند شکل‌گیری ساختارهای چندجانبه یا عمل در قالب ساختارهای منطقه‌ای موجود و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در سطح منطقه و نظام بین‌الملل است. اما کیفیت روابط حاکم، نمایانگر درهم‌آمیختگی تهدیدهای زیست‌محیطی با چالش‌های سیاسی‌ای است که وضع دشواری به‌خود گرفته است. هرچند در سال‌های اخیر، بحران ریزگردها محور مذاکرات و رفت‌وآمد هیئت‌های کارشناسی بوده است، ولی باید اذعان کرد که این موضوع، جزء اولویت‌های کاری دولت‌های منطقه نیست. مقاله حاضر در پی بررسی تأثیر سازوکارهای سیاسی بر حل و فصل و کاهش اثرات چالش ریزگردها در منطقه است؛ به‌گونه‌ای که زاویه جدیدی در نگاه به معضل یادشده در نظر گرفته شود. اکنون با توجه به آنچه مطرح شد، باید دید که مناسبات میان کشورهای منطقه، چه تأثیری بر حل این بحران‌های زیست‌محیطی، به‌ویژه ریزگردها دارد؟ به‌بیان دیگر، موانع شکل‌گیری رژیم همکاری زیست‌محیطی در خاورمیانه چیست؟

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱. رژیم همکاری

این واژه در ادبیات روابط بین‌الملل در کنار کلمه "Order" به معنای نظم آمده و دقیقاً متضاد هرج و مرج و بی‌نظمی است. کراسنر، رژیم‌های بین‌المللی را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از اصول، قواعد صریح و تلویحی، هنجارها، و رویه‌های تصمیم‌گیری که به واسطه آن‌ها، خواسته‌های بازیگران درباره موضوع‌های خاصی با هم تلاقی کرده و خواسته‌های بازیگران برآورده می‌شود» (Asgar Khani, 2002: 180).

۱-۲. بحران

به نوشته فرهنگ‌ها، "Crisis" (بحران در زبان انگلیسی)، از ریشه یونانی «کریسیموس» به معنای جدا کردن و تقسیم کردن است و سه معنای گوناگون برای آن ارائه شده است؛ هرچند آشکار است که این معانی با هم مرتبط‌اند:

۱. نقطه عطفی در سیر بیماری، هنگامی شروع می‌شود که بیمار نجات خواهد یافت یا خواهد مرد؛

۲. نقطه عطفی در سیر هر چیزی، زمان، مرحله، یا رویدادی تعیین‌کننده یا حساس؛

۳. موقعیتی حساس؛ موقعیتی که نتیجه آن تعیین می‌کند که آیا رخدادهای بدی روی خواهد داد یا نه؛

مانند یک بحران اقتصادی (فرهنگ وبستر) (Gerhart & Azarang, 1988: 20).

۱-۳. محیط زیست

محیط زیست، دربردارنده همه مواردی است که در اطراف ما قرار دارد و به محیط زیست انسان‌ساخت و طبیعی تقسیم می‌شود؛ بنابراین، محیط زیست، یک موضوع فراگیر و دربردارنده منابع انسان‌ساخت، اقتصاد فرهنگ، روابط اجتماعی، و نظام سیاسی است (Akbari Rad, 2013: 7).

۱-۴. ریزگرد

اصطلاح «ریزگردهای عربی»، منشأ جغرافیایی دارد و ریزگرد، مجموعه‌ای از عناصر مانند فلزات قلیایی خاکی، سیلیس، کربن، کلسیم، پتاسیم، و برخی دیگر از عناصر آلی موجود در گردوغبار است که می‌تواند آثار بدی بر مجاری تنفسی و ریه داشته باشد (Ghaffari Gilande; Nazmfar & Farokheh, 2016).

۱-۵. امنیت

امنیت، مفهومی است با زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قضایی، و... که مانند بسیاری از مفاهیم دیگر علوم انسانی و سیاسی، به لحاظ کیفی بودن، فاقد تعریف مشخص، یگانه، و موردپذیرش همگان است. امنیت، از چشم‌انداز حقوق بشر، اطمینان‌خاطری است که به موجب آن، افراد خواهند توانست بدون هیچ‌گونه مزاحمتی در جامعه به زندگی ادامه دهند و حکومت نیز به اجرای قدرت سیاسی برپایه اراده ملی پرداخته و مانعی بر سر راه آن وجود نداشته باشد. امنیت، دست‌کم دارای دو بستر اولیه و بنیادین است که عبارت‌اند از: امنیت فردی و امنیت اجتماعی (Saei & Masoumi, 2010: 80).

۱-۶. خاورمیانه

خاورمیانه، یکی از اصلی‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی‌ای به‌شمار می‌آید که همواره در گیر رقابت‌های سیاسی، مناقشات منطقه‌ای، و چالش‌های پایان‌ناپذیر بوده و قرار گرفتن بین دو گستره ژئواستراتژیک غرب و شرق، به آن اهمیت بسیاری در چرخه جهانی قدرت بخشیده است (Mosalla Nejad, 2012: 136).

۲. چارچوب نظری پژوهش

جست‌وجوی امنیت، یکی از مهم‌ترین کَشش‌ها و انگیزه‌های انسانی است. این کَشش با جوهر انسان، پیوندی ناگسستنی دارد. کپنهاگ، مکتبی است در راستای توجه گسترده به موضوع امنیت با اندیشمندانی همچون مک سوئینی، اولی‌ویور، و باری بوزان، که در این میان، بوزان، با کتاب معروف خود، یعنی «مردم، دولت‌ها، و هراس» از بقیه، شناخته‌شده‌تر است. برپایه گفته بوزان، مکتب کپنهاگ (که در سال ۱۹۸۵ با تلاش برخی از پژوهشگران امنیت بین‌الملل همچون باری بوزان و اولی‌ویور شکل گرفت) در پی آن بود که بار امنیتی را از دوش مسائل عادی بردارد و با گسترش دامنه مسائل غیرسیاسی-اجتماعی و به‌طور کلی عادی، مانع بدبهره‌گیری دولت و نظامیان از یک موقعیت ویژه شود. امروزه مسائل مربوط به انرژی، محیط زیست، جمعیت، و استفاده از فضا و دریا، هم‌تراز مسائل مربوط به امنیت نظامی، ایدئولوژی، و رقابت سرزمینی شده‌اند که به‌طور سستی به دستور کار دیپلماتیک شکل می‌دادند (Sadeghi & Naderi, 2016: 169-171).

باری بوزان نیز با ایجاد تغییر در مؤلفه‌های همیشگی امنیت، یعنی مؤلفه‌های سخت رئالیست‌ها و مؤلفه‌های نرم لیبرالی، شکلی از امنیت را ارائه می‌دهد که به حاشیه راندن متغیرهای دیگر را نمی‌پذیرد و بر این نظر است که عوامل پنج‌گانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی، بر جمع‌های انسانی تأثیر گذارند.

به‌طور کلی، محورهای اصلی اندیشهٔ مکتب کپنهاگ عبارت‌اند از:

۱. مطرح شدن امنیت به‌عنوان مفهومی بین‌ذهنی؛
 ۲. دولت به‌عنوان مرجع امنیت؛
 ۳. امنیتی و غیرامنیتی کردن موضوع‌ها؛
 ۴. امنیت ملی به‌عنوان مرکز ثقل امنیت؛
 ۵. گسترده بودن امنیت و ابعاد پنج‌گانهٔ آن (Rostami, Ayman & Karmian Habili, 2016: 198).
- کپنهاگ، از جمله مکتب‌های انتقادی‌ای به‌شمار می‌آید که درصدد خارج کردن مسائل امنیتی از دایرهٔ تنگ نظامی و تفکیک مطالعات امنیتی از مطالعات راهبردی است. در تبیین بنیان‌های نظری مکتب کپنهاگ که از آن با عنوان «نظریهٔ مجموعهٔ امنیتی منطقه‌ای» نیز یاد می‌شود، می‌توان گفت که این مکتب، با موضع میانه‌ای که در اتخاذ روش دارد، در بین رهیافت‌های روابط بین‌الملل، جایگاه برجسته‌ای را به‌دست آورده است؛ رد مفروضات اثبات‌گرایان و تأکید بر موقعیت‌های آگاهی و شناخت، تأییدگر روش‌شناسی بین‌رهیافتی این مکتب است. نگاه تفسیرگرا، تاریخی، تأکید بر جنبهٔ منحصربه‌فرد پدیده‌های اجتماعی و توجه به ابعاد هنجاری در کنار ابعاد توصیفی و تحلیلی، معرف‌های شناخت‌شناسانهٔ مکتب کپنهاگ به‌شمار می‌آیند (Khandan, Rekabian & Elehpour, 2016: 222-223). امروزه کشورها، ناگزیر از رویارویی و پاسخ‌گویی به تهدیدها و چالش‌هایی هستند که پیش‌ازین در ادبیات امنیت نمود و جایگاهی نداشتند. تهدیدهای امنیتی غیرسنستی، توسعه، بقا، و بهزیستی نوع بشر و دولت‌ها را با تهدیدها و چالش‌های جدی‌ای روبه‌رو می‌کنند. براین اساس، تهدیدهای امنیتی غیرسنستی، ذاتاً غیرنظامی و فراملی هستند که در نتیجهٔ جهانی‌شدن و انقلاب ارتباطات، به‌سرعت پخش می‌شوند (Kaviani Rad, 2011: 88-89).

یکی از حوزه‌های اصلی این تهدیدهای غیرسنستی و جدید، تهدیدهای زیست‌محیطی است. شمار فزاینده‌ای از تهدیدهای غیرسنستی زیست‌محیطی از قبیل تروریسم بیولوژیک، تغییر اقلیم، فرسایش محیطی فرامرزی، کاهش منابع، بلایای طبیعی، و... از جمله تهدیدهای دو دههٔ گذشته بوده‌اند که با خاستگاه‌های گوناگون در سطوح ملی، منطقه‌ای، و بین‌المللی سر برآورده‌اند؛ بنابراین، مسائل زیست‌محیطی، دولت‌ها را وادار کرده است که در همکاری‌های بین‌المللی بیشتری وارد شوند. دلیل آن هم این است که فرسایش زیست‌محیطی، نه تنها تهدیدی برای دولت‌ها، بلکه تهدیدی علیه بشریت است (Kaviani Rad, 2010).

بحران محیط زیست را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «بدتر شدن شرایط و تخریب زیست‌محیطی،

به‌گونه‌ای دراماتیک، ناخواسته، و برگشت‌ناپذیر که سبب کاهش معنادار آسایش و رفاه شود (Talebi, et.al, 1395: 821). جستارهای امنیت، مرجع و درون‌مایه خود را از گفتمان‌های گوناگون می‌جویند؛ از این رو، تاکنون سرشت و کارکردهای متنوعی برای آن در نظر گرفته شده است. فروپاشی شوروی، سرآغاز برآمدن محیط زیست در مقام یکی از درون‌مایه‌های امنیت بود که در آن انسان به مرجع امنیت تبدیل شد. در این گفتمان، محیط زیست و بنیادهای زیستی و منابع انرژی (آب، هوا، خاک، و...) جایگاه و نمود خاصی یافته‌اند (Kaviani Rad, 2016: 116). امنیت زیست‌محیطی، حفاظت از محیط زیست، منافع حیاطی شهروندان، جامعه و دولت، در برابر تأثیرات منفی داخلی و خارجی و فرایندهای نامطلوب روند توسعه است که سلامت انسان، تنوع زیستی، و عملکرد پایدار زیست‌بوم‌ها و بقای بشر را تهدید می‌کنند (Kaviani Rad, 2011: 122).

متأسفانه امروزه مشکلات محیط زیست که از پیشرفت‌های اقتصادی صنعتی ناشی می‌شود، رفته‌رفته کشورهای منطقه خاورمیانه را با دشواری‌هایی روبه‌رو کرده است (Poorahmad & Heidari, 2016: 146). داده‌ها و یافته‌های موجود نشان می‌دهند که امروزه بحران‌های زیست‌محیطی، براینند دگرگونی‌های مدرنیته و تقویت و گسترش اندیشه‌های سوداگرایانه بوده است؛ به‌گونه‌ای که این عوامل، تعادل در محیط زیست را برهم زده و سبب دگرگونی‌های نامطلوبی در اوضاع طبیعی زیست‌کره شده‌اند؛ در نتیجه، با افزایش بهره‌کشی از آب و زمین، فرسایش آن‌ها نیز بیشتر می‌شود و پیامدهای آن در قالب خشکسالی، سیل، پدیدار شدن کانون ریزگردها، و... بیش‌ازپیش نمایان خواهد شد. یکی از خطرناک‌ترین تهدیدهای زیست‌محیطی که در سال‌های اخیر منطقه خاورمیانه را درگیر کرده است، پدیده ریزگردهاست که اگر برای رفع آن چاره‌ای اندیشیده نشود، هزینه‌های جبران‌ناپذیری را به دولت‌های درگیر این پدیده تحمیل خواهد کرد. در دهه‌های اخیر، به‌دلیل تغییرات شدید اقلیمی و وقوع خشکسالی‌های پی‌درپی و طولانی‌مدت، آلودگی هوا روند روبه‌رشدی را پیموده است.

در این پژوهش، ابتدا بحران‌های زیست‌محیطی‌ای را بررسی خواهیم کرد که خاورمیانه را با چالش روبه‌رو کرده‌اند و پس از آن، ریشه‌های این بحران‌ها و مسائل سیاسی و امنیتی مربوط به آن‌ها تحلیل و واکاوی خواهند شد.

۳. مروری بر بحران‌های زیست‌محیطی خاورمیانه

صاحب‌نظران میدان محیط زیست و برخی تحلیلگران روابط بین‌الملل، بر اهمیت موضوع‌های زیست‌محیطی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده و البته محدودکننده رفتار سیاستمداران و روندهای

تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری تأکید می‌کنند. دیگر درباره این موضوع که بحران‌های زیست‌محیطی، چه به لحاظ پیامدها و چه از جنبه راه‌حل‌های آن، به یکی از چالش‌های جهانی تبدیل شده است، تردیدی نیست و تقریباً تمام مسائل زیست‌محیطی، با فرایندهای اقتصادی و سیاسی جهانی شده ارتباط دارند. در واقع، به گفته هارولد و مارگارت اسپروات، بدون توجه به عوامل زیست‌محیطی، اعم از انسانی و غیرانسانی یا ملموس و غیرملموس، نمی‌توان محیط سیاسی را به‌طور کامل شناخت (Ranjbar Heydari & Jamshidi, 2016: 206). خاورمیانه به‌عنوان کانون مرکزی جهان اسلام، یکی از مناطقی است که مشکل کمبود آب در آن آشکارتر از سرزمین‌های دیگر است؛ زیرا مجموعه خاورمیانه و شمال آفریقا، کم‌آب‌ترین منطقه جهان است. منابع تجدیدشدنی آب در این منطقه، به حدود ۵۵۳ میلیارد مترمکعب در سال می‌رسد که این مشکل، همواره ریشه اصلی رویارویی در خاورمیانه و آسیای جنوب غربی بوده است؛ تاجایی که برخی از کشورهای این منطقه به رویارویی نظامی با یکدیگر برخاسته‌اند. به‌طور کلی در عرصه بحران آب در منطقه آسیای جنوب غربی، چهار طرف اصلی وجود دارند که عبارت‌اند از: (۱) طرف ایرانی؛ (۲) طرف عربی؛ (۳) طرف ترک؛ (۴) طرف اسرائیلی (Barghi & Ghanbari, 2010). خشکسالی، مشکلی است که از نبود آب (بارندگی) سرچشمه می‌گیرد و تداوم وقوع آن، طولانی بوده و اثرات ناشی از آن حالت غیرساختاری داشته است و در نتیجه خسارت‌های ناشی از این پدیده در بخش‌های گوناگونی مانند کشاورزی، اجتماعی، و... به گونه‌ای تدریجی ظاهر می‌شود. نکته مهم این است که خسارت‌ها و پیامدهای خشکسالی برابر یا بیشتر از خسارت‌های ناشی از بلایای طبیعی دیگری مانند سیل و زلزله است (Asiaee, 2006: 168).

در بعضی از مناطق جهان، به‌ویژه در خاورمیانه، توفان‌های گردوغبار از جمله پدیده‌هایی هستند که فراوانی وقوع بالایی دارند. در دهه گذشته، رخداد توفان‌های گردوغبار در این منطقه، رو به فزونی نهاد؛ تاجایی که در ماه‌های سرد و بارشی این منطقه نیز مشاهده شده‌اند. در این میان، بیشترین رخداد این توفان‌ها در عراق، سودان، شبه‌جزیره عربستان و منطقه خلیج فارس گزارش شده است. گسترش این پدیده و تأثیرپذیری چند کشور در یک سامانه، سبب توجه انجمن‌های علمی، زیست‌محیطی، پزشکی، و حتی سیاسی به این پدیده شده است. عوامل بسیاری در ایجاد این توفان‌ها نقش داشته‌اند؛ اما گردش جو و شرایط سطح زمین از عوامل اصلی ایجاد آن‌ها به‌شمار می‌آیند. از عوامل گردش جو، پرفشار آזור، و سامانه‌های مهاجر بادهای غربی و مهم‌ترین منابع آن، بیابان‌های سوریه، ایران، اردن، عراق، شمال آفریقا، و شبه‌جزیره عربستان بوده‌اند (Karimi Ahmadabad & Shokouhi Razi, 2011: 114).

بحران‌های زیست‌محیطی مطرح‌شده، از جمله موارد اختلاف‌برانگیز در منطقه خاورمیانه به‌شمار

می‌آیند؛ بحران‌هایی مانند کمبود آب شیرین و اختلاف‌های هیدروپلیتیکی و همچنین، بحران ریزگردها که اکنون جنوب غرب خاورمیانه، از جمله ایران و به‌ویژه منطقه غربی آن را با چالش روبه‌رو کرده و تاکنون راهکاری برای برون‌رفت از آن ارائه نشده است و اگر هم در جلسه‌های گوناگون کشورهای منطقه درباره آن بحث شده، به‌گونه‌ای جدی به آن توجه نشده است؛ مسئله‌ای که در ادامه، عوامل مؤثر بر آن را به تفصیل بررسی کرده‌ایم. اما از آنجا که مسئله مورد تأکید در این پژوهش، مسئله ریزگردهاست، ابتدا باید عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری این بحران را بررسی کنیم.

۴. زمینه‌های شکل‌گیری بحران ریزگردها در خاورمیانه

توفان ریزگرد، یکی از مهم‌ترین چالش‌های منطقه غرب آسیا به‌شمار می‌آید که در دهه‌های اخیر به دلایل پرشماری از جمله خشکسالی، شدت بیشتری یافته‌اند. این توفان‌ها حجم گسترده‌ای از ذرات خاک را جابه‌جا کرده و سبب آسیب‌های شدید اقتصادی، اجتماعی، و جسمانی می‌شوند (Boroujeni & Rezaei, 2015: 1). برپایه پژوهش‌های انجام‌شده، سدسازی کشورهای ترکیه، سوریه، و عراق بر روی دجله و فرات، که شاه‌رگ‌های حیاتی عراق به‌شمار می‌آیند، سبب شده است که آب این رود، کاهش یابد و در نتیجه موجب خشکی زمین شده است. در پی خشکی زمین، ذرات ریز خاک از سطح زمین جدا شده و با تأثیرپذیری از جریان‌های جوی، در ارتفاع معینی حرکت کرده و به‌سوی غرب ایران می‌آیند. همچنین، خشک شدن شماری از تالاب‌ها، از جمله در مناطق حورالهیوزه و الحمار و هورالعظیم، اطراف کربلا، و تالاب‌های بین نوار مرزی عراق و سوریه، شمال غربی و شمال غربی عراق، شمال شرق سوریه می‌تواند از عوامل شدت گرفتن پدیده گردوغبار باشد. به‌سبب کاهش بارش‌های آسمانی، افزایش فشار بر منابع آب زیرزمینی، و همچنین رخداد جنگ‌های متمادی در منطقه و حضور جنگ‌افزارهای نیروهای نظامی فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا که بیشتر در مناطق بیابانی و خارج از سطح جاده‌ها رفت‌وآمد می‌کنند، چشمه‌های تولید گردوغبار در کشور عراق از شش به دو بیست کانون بحرانی در ۲۰ سال گذشته افزایش یافته است (Kermani, Taherian & Izanloo, 2016: 43-42). منشأ ریزگردها بیشتر بیابان‌های عربستان، عراق، و سوریه است که به‌ویژه بستر خشک دجله و فرات، به‌دلیل سیاست‌های سدسازی در کشورهای بالادست (ترکیه) زمینه‌ساز آن شده است. این ابعاد در مورد سیاست‌های سدسازی ترکیه در درازمدت، پیامدهای به‌مراتب نگران‌کننده‌تری خواهد داشت؛ به‌عنوان مثال، ساخته شدن سد ایلیسو، که بخشی از پروژه گاپ ترکیه در جنوب شرقی این کشور است (با توجه به اینکه ۵۶ درصد آب دجله از ترکیه می‌آید)، تغییرات زیادی را در محیط زیست ترکیه، عراق، سوریه، و حتی ایران ایجاد

خواهد کرد؛ تغییراتی که آسیب‌های شدیدی را به همراه خواهد داشت. در واقع، با تکمیل سد ایلیسو، مرداب‌های بین‌النهرین عراق که آب آن‌ها از دجله می‌آیند، به سرعت خشک می‌شوند و با خشک شدن تالاب‌های مرکزی عراق و سوریه، تبدیل تالاب هورالعظیم در خوزستان به بزرگ‌ترین کانون بحرانی ریزگرد در منطقه، و شدت‌گیری چشمگیر این بحران، ارمغان حذف حبابه دجله و فرات است. این درحالی است که فقدان قدرت، نظارت، و تسلط دولت مرکزی در عراق و سوریه در شرایط وقوع جنگ داخلی در این دو کشور و پیدایش و حاکمیت گروهک‌های افراط‌گرایی همچون داعش، به‌ویژه بر نواحی مستعد ریزگردها، موجب تشدید این بحران شده است (Ranjbar Heydari & Jamshidi, 2016: 220).

عامل دیگر گسترش این گردوغبار، نازک بودن پوسته زمین در مناطق مرزی بین عراق و عربستان و کویت است که به گفته معاون محیط زیست عراق، رفت و آمد بیش از حد ماشین‌های جنگی در طول دو دهه اخیر، همراه با عملیات جنگی و انفجارهای پی‌درپی، به شکنندگی این پوسته نازک و فروپاشی کامل خاکدانه‌های منطقه کمک کرده و امکان استقرار پوشش گیاهی را دشوار کرده است. به این ترتیب، بر گستره و شمار کانون‌های بحرانی فرسایش بادی و چشمه‌های تولید گردو خاک افزوده شده است. حفر کانال موسوم به کانال صدام در دوران حکومت صدام حسین و حزب بعث بر عراق، یکی دیگر از عوامل شکل‌گیری ریزگردها به‌شمار می‌آید؛ این کانال نه تنها سبب خشکیدگی بخش بزرگی از زمین‌های مرطوب و تالابی عراق در هورالعظیم شده، بلکه کاهش فراورده‌های کشاورزی منطقه را نیز در پی داشته است (Karamshahi, Sakineh et al., 2013: 7).

پس از شناسایی زمینه‌های پیدایش ریزگردها، باید این موضع را بررسی کنیم که چرا تاکنون کشورهای منطقه، به‌ویژه کشورهای که خود عامل به وجود آورنده آن هستند، برای حل این بحران به اجماع و توافقی دست نیافته‌اند. همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره کردیم، هم‌اکنون و در این برهه زمانی، مسائل زیست‌محیطی، ارتباط تنگاتنگی با مسائل سیاسی پیدا کرده‌اند؛ به گونه‌ای که نمی‌توان مسائل زیست‌محیطی و سیاست را از یکدیگر تفکیک کرد؛ بنابراین و با توجه به عنوان این پژوهش، لازم است که موانع سیاسی عدم شکل‌گیری این اجماع بررسی شود.

۵. موانع سیاسی شکل‌گیری رژیم همکاری زیست‌محیطی در خاورمیانه

۵-۱. محیط زیست به مثابه امری سیاسی

بحران ریزگردها را می‌توان تهدیدی برای امنیت زیست‌محیطی و ملی به‌شمار آورد. به‌نظر بسیاری از پژوهشگران، در نظام بین‌الملل کنونی، امنیت، چهره سنتی و نظامی خود را از دست داده و بعدی غیرنظامی

نیز یافته است. از آنجا که گفتمان‌هایی مانند قدرت، منافع و اهداف، و دولت و جنگ دگرگون شده‌اند، مفهوم امنیت نیز دچار تحول شده است. امنیت در این حالت یک مقوله فراگیر است که خود را در قالب یک ساختار، شامل مجموعه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها، مطرح می‌کند. در این میان، بحران‌های زیست‌محیطی، از جمله مسائل نوظهوری هستند که به یکی از موضوع‌های عمده امنیت بین‌الملل تبدیل شده و جایگاه آن را از سیاست پست به سیاست عالی تغییر داده‌اند. این بحران‌ها زمانی که با چالش‌های سیاسی، نظامی، و رقابت‌های کشورهای در تأمین اهداف ملی خود گره می‌خورند، به موضوعی در سیاست بین‌الملل تبدیل می‌شوند؛ بنابراین، مخاطرات زیست‌محیطی را باید به محیط امنیتی کشورها افزود. در سال‌های اخیر تعداد، تکرار، و شدت پخش ریزگردها در ایران، آن را به یک معضل زیستی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی تبدیل کرده است (Noorani, 2017). تراژدی ریزگردها در منطقه خاورمیانه، تنها به یک کشور یا یک بخش از منطقه، شامل عراق، سوریه، و ایران محدود نمی‌شود، بلکه بیشتر کشورهای منطقه با این پدیده خطرناک دست‌به‌گریبان‌اند و مانند اهالی سوریه یا عراق، بسیاری از ساکنان ۲۵ استان ایران نیز همواره در معرض تهدید آن قرار دارند. در عراق، کاهش بارندگی‌ها و افزایش دمای هوا در فصل‌های گرم سال (دمای هوا معمولاً به بالای ۵۰ درجه می‌رسد) و کاهش میزان بارندگی سالانه تا ۲۵۰ میلی‌متر، سبب شده است که زمینه مساعدی برای پدیده ریزگردها فراهم شود. در بررسی علل شدت‌گیری غیرطبیعی و در واقع، انسانی پدیده ریزگردها می‌توان به عواملی چون جنگ‌ها، بحران‌های امنیتی و تروریسم، و نیز مدیریت نادرست و اجرای طرح‌های آبی خودخواهانه در منطقه اشاره کرد. حمله و تجاوز رژیم بعثی صدام حسین به خاک ایران در سال ۱۹۸۰، تأثیر انکارناپذیری بر محیط زیست منطقه داشت. بسیاری از زمین‌های کشاورزی و نخلستان‌ها و کانال‌های آبی در این جنگ نابود شدند و افزون‌براین، قرارداد مالچ‌پاشی زمین‌های بیابانی میان سه کشور ایران، عربستان، و عراق متوقف شد تا بیابان‌زایی را سرعت بخشد (Mousavi, 2016). سیاست خشکاندن تالاب‌ها، هورها، و نزارها که در زمان صدام حسین شروع شده بود، در دوره اشغال عراق توسط امریکایی‌ها نیز ادامه یافت. همچنین، هرج و مرج و بی‌قانونی در محیط‌های آبی و مراتع و بهره‌برداری‌های غیراصولی، بخش دیگری از عوامل مدیریتی بروز بحران زیست‌محیطی در عراق بوده است؛ موضوعی که سبب شد، سطح زیر کشت، نخلستان‌ها، و کمربند سبز صحرای جنوبی از بین برود (Dashti, 2016).

۲-۵. بهار عربی و تنش در روابط کشورهای تأثیرگذار بر مسائل منطقه

یکی از عوامل مهمی که مانع شکل‌گیری رژیم همکاری کشورهای منطقه در راستای حل و فصل

بحران ریزگردها شد، وقوع دگرگونی‌های سال ۲۰۱۱ و به‌بیان‌دیگر، بهار عربی در منطقه بود. از آنجا که این دگرگونی‌ها، نقش بنیادینی در سیاست خارجی کشورهای منطقه داشته‌اند، بدیهی است که کشورهای یادشده، مواضع گوناگونی در برابر آن‌ها از خود بروز دهند و همین امر سبب بروز تنش بیشتر در روابط بین کشورها می‌شود و در پی آن، همکاری در بین کشورها به واگرایی تبدیل می‌شود؛ به‌ویژه اگر این کشورها، سابقه تنش نیز در روابط بین خود داشته باشند. نمونه آشکار این وضعیت، ایران و عربستان است که روابطشان پس از دگرگونی‌های خاورمیانه بیش‌ازپیش به سردی گراییده است.

۱-۲-۵. ایران و عربستان

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و عربستان، به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای، به‌دلایلی مانند رهبری ایران/عربستان بر جهان اسلام، رهبری شیعه/ وهابیت بر منطقه، و غرب‌گرایی/ غرب‌ستیزی دو کشور، به‌سوی نوعی دوگانگی حرکت کرده است؛ هرچند گاهی متناسب با رویه سیاست خارجی و منطقه‌ای دولت‌های مستقر در ایران، این روابط دچار دگرگونی‌هایی نیز شده است (Sadeghiaval; Naghdi Eshraty & Mir Kooshesh, 2015: 129). درحالی‌که هر دو کشور خود را با عنوان «اسلامی» تعریف می‌کنند، در عرصه سیاست خارجی تفاوت چشمگیری بین آن‌ها دیده می‌شود. در بیشتر موارد، عربستان سعودی، خواهان حفظ وضع موجود و ایران در پی ایجاد تحولات انقلابی گسترده در منطقه است. همچنین، عربستان سعودی روابط تنگاتنگی با دولت‌های غربی دارد، درحالی‌که ایران، ایالات متحده را خطرناک‌ترین دشمن خود به‌شمار می‌آورد. شاید مهم‌ترین تفاوت بین دو کشور این باشد که عربستان سعودی یک دولت عرب مسلمان سنی و ایران، یک دولت شیعه با سیاستمدارانی است که اغلب کشور خود را مدافع و رهبر طبیعی شیعیان در سراسر منطقه می‌دانند. رقابت بین ریاض و تهران در سیاست‌های تعدادی از کشورهایی که این دو قدرت در آن‌ها نفوذ دارند، بازتاب یافته است (Teril, 2011).

در سال‌های اخیر، روابط بین ایران و عربستان برپایه نوعی نبرد ایدئولوژیکی-مذهبی نمایان شده است که رقابت بر سر منافع ژئواستراتژیک و سیاسی از یک‌سو و رقابت پایدار برای هژمونی منطقه‌ای از سوی دیگر، دورنمای این تمایز و دشمنی است که با رخداد بهار عربی، شدت گرفته است؛ به‌ویژه اینکه این موج انقلابی به بحرین و سوریه نیز سرایت کرده و نوعی برخورد مستقیم را در سیاست و منافع ایران و عربستان در پی داشته است (Ebrahimi, 2018: 153). در بیش از یک دهه اخیر، تقابل این دو کشور، مهم‌ترین درگیری منطقه‌ای در خاورمیانه بوده است؛ درگیری‌ای که دامنه آن از گستره سرزمینی این دو کشور فراتر رفته، و مناطق دیگر، از عراق گرفته تا یمن و از بحرین تا لبنان، را درگیر کرده است.

تقابل ایران و عربستان یا -آن‌گونه که برخی می‌گویند- تقابل شیعه و سنی، به ویژگی اصلی درگیری‌های منطقه‌ای تبدیل شده است. هم‌اکنون نیز این تقابل خود را در قالب چند روند عمده نشان داده است که عبارت‌اند از: انتخابات پارلمانی عراق، انتخابات ریاست‌جمهوری لبنان، آشتی فتح و حماس و سوریه، که خود مهم‌ترین نمود منطقه‌ای منازعه ایران و عربستان سعودی به‌شمار می‌آید (Haghighi & Klich, 2016: 22).

بنابراین، می‌توان گفت، در سال‌های اخیر، شاهد شکل‌گیری یک صف‌بندی منطقه‌ای بوده‌ایم؛ صف‌بندی‌ای که در یک سوی آن، ایران و متحدان منطقه‌ای این کشور و در سوی دیگر، عربستان سعودی و پادشاهی‌های عرب حوزه خلیج فارس قرار داشته‌اند. با توجه به این موضوع، پس از شروع ناآرامی‌های موسوم به بهار عربی، دو کشور ایران و عربستان سعودی تلاش کردند، جبهه متحدان خود در منطقه را تقویت کرده و نیروهای طرفدار خود را به‌قدرت برسانند؛ تلاشی که منطقه را به صحنه رقابت آشکار دو کشور ایران و عربستان تبدیل کرد (Saaduddin, 2013: 78).

بر پایه برآوردهای انجام‌شده، بخش عمده ریزگردهای آلوده‌ساز که با آغاز فصل گرما شروع می‌شود، خاستگاه برون‌مرزی، به‌ویژه در کشورهای عراق، سوریه، و عربستان دارد. عربستان تاکنون تمایلی به همراهی با ایران برای مقابله با ریزگردها نداشته است؛ موضوعی که بیشتر برآمده از رویکرد ایدئولوژیک این کشور به جمهوری اسلامی ایران است (Kaviani Rad, 2016, P. 10).

۲-۲-۵. ترکیه، ایران، و سوریه

دگرگونی‌های جدید در منطقه خاورمیانه، موقعیت‌های نوینی را برای ترکیه و ایران به‌وجود آورده است. هردو کشور، تلاش کرده‌اند تا از سقوط صدام و روی کار آمدن دولت جدید در عراق به‌نفع خود بهره‌برند. ایران و ترکیه در عراق جدید، فرصت‌های به‌نسبت بهتری به‌دست آورده و تلاش کرده‌اند از ابزارهای گوناگون و مؤلفه‌های مختلف برای دستیابی به اهداف خود بهره‌برند (Enayati Shabkalaei, Atharin & Haji Mineh, 2015: 75). ایجاد برخی دگرگونی‌ها در سیاست خارجی ترکیه، سبب بروز چالش‌هایی در روابط دو کشور شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: چرخش این کشور به‌سوی غرب و آمریکا، استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه و نیز مواضع ترکیه برضد بشار اسد و دگرگونی‌های جاری در کشور سوریه و عراق. اتخاذ این‌گونه مواضع در عرصه سیاست خارجی از سوی ترکیه می‌تواند نقش منفی‌ای در روابط با ایران داشته باشد (Masoud Nia; Najafi & Foroughi, 2012: 76).

ترکیه نیز از همان ابتدا با توجه به سیاست‌های اعلامی و اعمالی خود و نظریه‌های احمد داوود اوغلو، نخست‌وزیر پیشین این کشور، اقدام به همراهی با مردم کشورهای جهان عرب کرده و تلاش کرده است تا

در راستای اهداف و منافع ملی خود و نزدیکی بیشتر به مردم کشورهای اسلامی، خود را حامی آن‌ها معرفی کند. ترکیه تلاش می‌کند با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و نیز همسویی با غرب، گام‌های مهمی در راستای تحقق اهداف خود بردارد؛ آرمان‌هایی که برخی آن را در راستای «بازآفرینی امپراتوری سستی» تعبیر کرده‌اند (Eyvazi & Hosseini, 2015: 96). ترکیه و عربستان سعودی با وجود شکاف ایدئولوژیک ناشی از خوانش‌های متفاوت از اسلام (میان‌رو و افراطی) به دلیل ترس از نفوذ منطقه‌ای ایران به‌عنوان رهبر جریان شیعی، در بحران سوریه در مقابل ایران و عراق متحد شدند. عملکرد ترکیه در سوریه و عراق و ورود این کشور به حوزه‌های نفوذ ایران، واکنش ایران را به‌عنوان قدرت منطقه‌ای برتر خواهان حفظ نظم موجود در پی داشته است. سیاست‌ها و گرایش‌های توسعه‌طلبانه ترکیه پس از دگرگونی‌های جهان عرب، موجب شد که ایران این کشور را تهدیدی برای منافع خود به‌شمار آورد و با وجود داشتن رابطه خوب با آن، از طریق ائتلاف با روسیه علیه این کشور دست به موازنه بزنند. اوج تقابل میان ایران و ترکیه در سطح منطقه را می‌توان در بحران سوریه و عراق مشاهده کرد (Mousavi et al., 2016: 177-180). تفاوت‌های عمیق و به‌ظاهر آشتی‌ناپذیر دیدگاه‌ها درباره سوریه، رقابت منطقه‌ای میان ایران و ترکیه را آشکارتر کرده است؛ زیرا آینده سوریه به یک میدان نمایش قدرت برای هردو طرف تبدیل شده است (Yaghoubifar, 2013: 98).

ترکیه و سوریه از گذشته تاکنون در روابط دوجانبه خود با مشکلاتی روبه‌رو بوده‌اند. در این میان، سه موضوع اصلی، همواره بر زمینه‌ساز دوگانگی و اختلاف در روابط این دو کشور بوده‌اند: مسئله کردها، تقسیم منابع آبی مشترک، و ادعای سرزمینی سوریه بر استان‌های ترکیه. با آغاز درگیری در سوریه، دولت ترکیه به سرعت به مخالفت با نظام حاکم سوریه برخاست. اقدامات ضدنظام سوریه در همین‌جا پایان نیافت و ترکیه برای مخالفان نظام سوریه در خاک خود اردوگاه نظامی ایجاد کرد و حتی نشست‌های مخالفان را در استانبول برگزار کرد. یکی دیگر از اقدامات دولت ترکیه، برقراری ارتباط با گروه‌های معترض سوری، به‌ویژه اخوان المسلمین، است. احمد داوود اوغلو، در بازگشت از نشست دوستان تونس، با بیان اینکه رفتار ترکیه در قبال سوریه همچون رفتار این کشور در جنگ عراق نیست، اظهار داشت، گزینه نظامی در مورد سوریه روی میز است و ترکیه در موضوع سوریه کنار این میز حضور دارد (Keshavarz Shokri & Sadeghian, 2013: 99-97).

بررسی ابعاد و چگونگی همکاری دولت‌ها برای غلبه بر این بحران از منظر دیپلماسی زیست‌محیطی و حقوق بین‌الملل، موانع همکاری پیشینه و چالش‌های موجود را آشکار می‌کند. بخشی از چالش‌ها معطوف

به اختلاف‌ها و درگیری‌های به‌جامانده از گذشته یا رقابت‌های سیاسی موجود است. وجود بازیگران ذی‌نفع و غیرذی‌نفع، یکی دیگر از ویژگی‌های ریزگردها است. هرچند در سال‌های اخیر، بحران ریزگردها، محور مذاکرات و رفت‌وآمد هیئت‌های کارشناسی بوده است، اما باید اذعان کرد که این موضوع، جزء اولویت‌های کاری دولت‌های یادشده نیست. ترکیه، به‌طور مستقیم، ذی‌نفع نیست و منافع دیگری، به‌ویژه اهداف اقتصادی، را برای حضور فعال در منطقه دنبال می‌کند؛ بنابراین، حضور ترکیه در این مذاکرات را باید در چارچوب دیپلماسی فعال این کشور در راستای منافع کلانش توجیه کرد (Toofan, 2010).

اما تنش در روابط کشورهای تأثیرگذار و تأثیرگذار از بحران ریزگردها، تنها در اینجا پایان نمی‌یابد و اختلاف‌های دیگری مانند اختلاف‌های هیدروپلیتیکی به این تنش‌ها دامن می‌زند. شاید بتوان گفت، عامل هیدروپلیتیک از یک سو سبب ایجاد این بحران در منطقه شده است (چگونگی آن را در ادامه توضیح خواهیم داد) و از سوی دیگر، با ایجاد تنش، مانع شکل‌گیری یک دیپلماسی همه‌جانبه در راستای حل و فصل مسئله ریزگردها شده است.

۳-۵. اختلاف‌های هیدروپلیتیکی کشورهای منطقه خاورمیانه

در حوزه بالقوه بحرانی دجله و فرات، بحران آب با نقاط دیگر متفاوت است؛ زیرا تنها نقطه دارای آب مازاد در خاورمیانه است. به‌همین دلیل برخلاف نقاط دیگر، بیشتر مشکلات موجود در این منطقه بر سر سهم‌بندی آب دجله و فرات است. ترکیه بر این نظر است که همان‌گونه که اعراب، از حق بهره‌برداری از منابع نفت برخوردارند، ما هم از آب به‌گونه‌ای دلخواه استفاده می‌کنیم (Karami, Hassanzadeh & Pishgahifard, 2016: 36).

نگرانی سوریه از جلوگیری ترکیه از جریان آب فرات از میانه دهه ۱۹۸۰ افزایش یافت؛ زیرا ترکیه عملیات طرح آبی جنوب شرقی را، که به‌اختصار «گاپ» نامیده می‌شود، آغاز کرد. این طرح دربردارنده ساخت تعدادی سد بر روی رودخانه‌های دجله و فرات است و مناطق گسترده‌ای از نواحی جنوب شرقی ترکیه را زیر کشت آبی قرار می‌دهد. ترکیه با اعلام قصد خود مبنی بر قطع آب فرات به مدت یک ماه به‌منظور پر کردن بزرگ‌ترین مخزن این سد در اواخر سال ۱۹۸۹، واکنش شدید عراق، سوریه، و کشورهای عربی دیگر را برانگیخت؛ اما ترکیه به این کشورها اطمینان داد که به‌هیچ‌روی قصد ندارد از حربه آب علیه همسایگانش استفاده کند. یکی از نکات قابل توجه این طرح، حضور فعال اسرائیل در ساخت سدها و اعطای سهمیه آب به اسرائیل است که چشم‌انداز این مسئله را پیچیده‌تر و دشوارتر می‌کند.

ترکیه به‌عنوان کشوری که رودهای دجله و فرات از آن سرچشمه می‌گیرند، برای خود حاکمیتی همه‌جانبه قائل است و این رودها را به‌عنوان رودهای بین‌المللی نمی‌شناسد. اجرای کامل طرح یادشده حتی اگر موجب کاهش آب کشورهای سوریه و عراق نشود (که برپایه برخی برآوردها، ۴۰ درصد از سهم آب سوریه و ۹۰ درصد از سهم آب عراق از رود فرات را کاهش خواهد داد)، افزون‌بر پایین آمدن کیفیت آب، موجب خواهد شد که کنترل آب رودهای دجله و فرات در اختیار ترکیه قرار گیرد و سلاح آب در دست ترکیه، زمینه تبدیل این کشور به یک قدرت منطقه‌ای را فراهم می‌کند و بار دیگر خواهد توانست برتری و قدرت دوران عثمانی را در منطقه بازابد (Masoud Nia, Foroughi & Chalmaghani, 2012: 91).

از سال ۱۹۷۴ که ترکیه و سوریه اقدام به پر کردن سدهای خود کرده‌اند، آب جاری انتقال یافته به عراق به میزان یک‌چهارم مقدار معمولی آن رسیده است. ساخت سد «الثوره» در سوریه که جریان آب فرات را ۲۴ درصد کاهش می‌داد، موجب بروز بحران در روابط سوریه و عراق در سال ۱۹۷۷ شد و عراق نیروهای نظامی خود را به مرز سوریه فرستاد و تهدید کرد که سد را منفجر خواهد کرد؛ ولی بحران از طریق میانجیگری روسیه و عربستان حل و فصل شد. سوریه به‌عنوان کشوری که در میان مسیر دو رود قرار دارد، بنا به مصلحت سیاسی، دو استدلال را بررسی می‌کند و در مورد آب، رفتار دوگانه‌ای را در پیش گرفته است: از یک سو، بر روی رودخانه «برموک»، چندین سد احداث کرده و جریان آب این رودخانه را به اردن و اسرائیل کاهش داده است و از سوی دیگر، خواهان عدم احداث سد از سوی ترکیه است (Karami, Hassanzadeh & Pishgahi Fard, 2016: 43-44). با توجه به مشکلات و معضلات ژئوپلیتیک کشور عراق، وضعیت یادشده در آینده می‌تواند انفجارآمیز باشد و بار دیگر، منطقه را با یک بحران روبه‌رو کند. در این میان، پیشینه منازعات و اختلاف‌های کشور عراق با کشورهای همسایه خود بر سر عوامل ژئوپلیتیک منطقه تأییدی است بر این مدعا؛ برای نمونه، در سال ۱۹۷۵ عراق و سوریه به دلیل تقلیل آب فرات از سوی سوریه به منظور تأمین آب سد «الثوره» سوریه که عراق ادعا می‌کرد موجب به‌خطر افتادن زندگی سه میلیون نفر از کشاورزان آن کشور شده است، تقریباً به ورطه یک جنگ تمام‌عیار کشیده شدند. افزون‌بر این، ترکیه نیز در سال‌های اخیر در این زمینه همواره روابط آشفته‌ای با سوریه داشته و بارها سوریه را به توطئه‌چینی برای منفجر کردن سد «آتاتورک» متهم کرده است. به‌هرروی، این موضوع، یکی از منابع پایدار تنش بین کشورهای ترکیه، عراق، و سوریه بوده است (Sadeghi, 1997: 205).

گاپ، نگرانی سوریه و عراق را از کاهش آبی آب برای طرح‌های کشاورزی و صنعتی‌شان برانگیخته است. سوریه و عراق هراس دارند که سد آتاتورک، بخش عمده جریان آب فرات را به جلگه «اورفا» در

ترکیه سرازیر، و آن‌ها را به آب ترکیه متکی کند. عراق که از مدت‌ها پیش، از اجرای طرح‌های عمرانی سوریه در دره رود فرات نگران بود، اکنون دریافته است که ساخته‌شدن سد از سوی ترکیه، می‌تواند جریان ۲۲ میلیارد مترمکعب آب رودخانه یادشده به عراق را به میزان ۵۰ تا ۷۵ درصد کاهش دهد. مقامات ترک می‌گویند، این امر به‌لحاظ فنی ناممکن است و ترکیه نیز از ذخیره آب به‌مدت طولانی، زیان خواهد دید. یک‌بار دیگر، فقدان آمار و ارقام مشترک و تجزیه و تحلیل بی‌طرفانه، موجب ترس و نااطمینانی شده است. درگیری بین عراق، سوریه، و ترکیه بر سر دسترسی به آب را تنها از طریق یک موافقت‌نامه روشن بین سه کشور می‌توان از بین برد که سهم هریک از این سه کشور را از آب رودخانه‌های دجله و فرات مشخص کند؛ اما مذاکره در این باره از سال ۱۹۶۰ به این سو، بی‌نتیجه ادامه داشته است. یک طرح جامع مدیریتی، ترس سوریه و عراق را برطرف خواهد کرد. در مقابل، ادامه بن‌بست و عدم پیشرفت امور و ساخته شدن سدهای جدید به گونه‌ای یکجانبه، می‌تواند سبب وخامت اوضاع، اختلاف‌های بیشتر، و رویارویی مسلحانه شود (Joyce & Tabatabaei, 1992: 45-46).

سیاست سوریه در مورد ترکیه و بررسی آن در چارچوب مسائل اجتماعی، اقتصادی، و نظامی و همچنین، چگونگی برقراری روابط میان سوریه و ترکیه از طریق اعمال فشار بر ترکیه با همکاری عراق و ایجاد یک همسویی عربی در برابر ترک‌ها و موضع‌گیری سوریه در برابر حزب کارگران ترک (پ‌ک‌ک) از جمله مواردی است که سوریه در سیاست‌های خود در نظر گرفته است. با توجه به وجود تضادهای سیاسی میان سوریه و ترکیه، مسئله آب میان کشورهای حوزه فرات موضوعی بیشتر بحث‌و‌جدل‌برانگیز بوده تا زمینه‌ای برای همکاری و همستگی در روابط سوریه و ترکیه (Motahjad, 2000: 296). دولت ترکیه بارها اعلام کرده است که «ما به دنبال حفظ ثبات و امنیت کشورها هستیم و نمی‌خواهیم از آب به‌عنوان یک اهرم استفاده کنیم»؛ اما واقعیت این است که در عمل، حاضر نشده‌اند حقابه کشورهای فرودست را بپذیرند؛ به‌همین دلیل، در آینده نیز شاهد شدت‌گیری اختلاف بین سوریه، عراق، و ترکیه خواهیم بود. افزون بر این، با توجه به افزایش نیاز آبی این کشورها در آینده، میزان ورودی آب نیز کاهش پیدا خواهد کرد و امنیت زیست‌محیطی ایران نیز با تأثیرپذیری از چنین مناسبات هیدروپلیتیکی، آسیب بیشتری خواهد دید (Kaviani Rad, 2016).

به‌طور کلی در بحران آب در منطقه آسیای جنوب غربی، چهار طرف اصلی حضور دارند که عبارت‌اند از: طرف ایرانی، طرف عربی، طرف ترک، و طرف اسرائیلی و حل این بحران در سطح منطقه، نیازمند همکاری همه‌جانبه آنان است؛ هرچند تحلیلگران بسیاری بر این نظرند که همکاری در منطقه خاورمیانه امکان‌پذیر نیست (Khaleghi Nejad, 2017). سدسازی‌های گسترده ترکیه و بستن آب دجله و فرات با

عنوان طرح «گاپ»، یکی از مهم‌ترین عوامل خشکسالی، ریزگردها، و بحران‌های سیاسی و اجتماعی به‌شمار می‌آید و پیامدهای ویرانگر سدسازی در ترکیه، فجایع انسانی ناشی از جنگ‌های تحمیلی در سوریه و عراق را تشدید کرده و حقوق بشر را به‌طور مستقیم تهدید می‌کند. تأثیر مستقیم طرح‌های مدیریت آب در ترکیه بر جوامع بومی خوزستان ایران نیز در قالب بحران آب و گسترش ریزگردها، روند روبه‌افزایشی داشته است و بر این پایه، سیاست‌های افسارگسیخته مدیریت ضد محیط‌زیستی منابع آب توسط ترکیه، با بیانیه رعایت حقوق جوامع بومی "UNDRIP" به‌عنوان یک سند مهم بین‌المللی، نیز مغایرت دارد (Mirsanjari, 1396).

۶. تحلیل چالش‌های سیاسی-امنیتی بحران ریزگردها و واکنش عوامل عدم شکل‌گیری همگرایی در راستای حل این معضل

با اینکه پدیده گردوغبار، پدیده‌ای طبیعی به‌نظر می‌رسد، اما یکی از عوامل تشدیدکننده آن در دهه اخیر، رفتار سیاسی کشورهای خاورمیانه مرکزی بوده است. یکی از مهم‌ترین رفتارهای سیاسی تأثیرگذار بر این پدیده، تصمیم‌های سیاسی‌ای است که در کشورهای منطقه خشک خاورمیانه، اتخاذ و اجرا می‌شود. مهم‌ترین منابع آبی منطقه، رودخانه‌ها هستند که معمولاً بین دو یا چند کشور همسایه مشترک‌اند. همین مسئله، موجب شکل‌گیری نوعی رقابت میان کشورهای منطقه برای کنترل آب و در نتیجه، تغییرات زیست‌محیطی شده است که از جمله مهم‌ترین این پیامدها، خشک شدن تالاب‌های کشورهای پایین‌دست و افزایش بیابان‌زایی است (Amiri, Omid & Ahmadi, 2013) که ریشه اصلی رویارویی بر سر آب در خاورمیانه و آسیای جنوب غربی بوده‌اند؛ تاجایی که برخی از کشورهای این منطقه به رویارویی نظامی با یکدیگر روی آورده‌اند (Barqi & Ghanbari, 2010).

رودخانه‌های بین‌المللی هیرمند و دجله و فرات از مهم‌ترین مسائل هیدروپلیتیک این منطقه به‌شمار می‌آیند. این رودها که در کشورهای افغانستان، ایران، ترکیه، سوریه، و عراق جریان دارند، به‌دلیل فقدان توافق‌های موردقبول همه کشورهای یادشده برای استفاده از آب رودخانه‌های بین‌المللی، موجب بروز بحران در روابط آن‌ها شده‌اند (Abdi & Mokhtari, 2005: 195). ترکیه به‌عنوان کشوری که در ابتدای جریان آب قرار دارد، برای خود حق مطلق در مورد آب‌های سرچشمه گرفته از خاکش قائل است و ادعای همسایگانش را مبنی بر حق اولیه (بر آب) قاطعانه رد می‌کند. سوریه به‌عنوان کشوری که در میان مسیر رود قرار دارد، بنا به مصلحت سیاسی، دو استدلال را مطرح می‌کند و در مورد آب، رفتار دوگانه‌ای را در پیش گرفته است؛ از یک سو، بر روی رودخانه «یرموک»، چندین سد بنا کرده و جریان آب این رودخانه به اردن و اسرائیل را کاهش داده است و از سوی دیگر، خواهان عدم احداث سد از سوی ترکیه

است. عراق که پس از ترکیه و سوریه، آخرین کشور مسیر رودهای دجله و فرات است و وابستگی شدیدی به هر دو رودخانه دارد، مدعی مسیر طبیعی رودها و حق تاریخی بر آب برای مردم جنوب بین‌النهرین، از زمان شروع تمدن است و تأکید می‌کند که باید نیازها محاسبه شود و ترکیه دست کم اجازه خروج ۷۰۰ مترمکعب آب در ثانیه را بدهد (Mokhtari Hashi & Qaderi Hojjat, 2008: 65).

منشأ خارجی ریزگردها، بیشتر بیابان‌های عربستان، عراق، و سوریه است که به‌ویژه بستر خشک دجله و فرات در نتیجه سیاست‌های سدسازی در کشور بالادست (ترکیه) زمینه‌ساز آن است. در واقع، با تکمیل سد «ایلیسو»، مرداب‌های بین‌النهرین عراق که آب آن‌ها از دجله می‌آید، به سرعت خشک می‌شوند؛ به این ترتیب، با خشک شدن تالاب‌های مرکزی عراق و سوریه، تبدیل تالاب «هورالعظیم» خوزستان به بزرگ‌ترین کانون بحرانی ریزگرد در منطقه و درگیری ۲۵ استان غربی و مرکزی ایران با معضل ریزگردها را شاهد خواهیم بود (Ranjbar Heidari & Jamshidi, 2016: 220).

این مسئله، زمانی که با چالش‌های سیاسی درمی‌آمیزد، به موضوع بغرنجی تبدیل می‌شود. بدیهی است که کشورهای درگیر در بحران ریزگردها، به این پدیده تنها به‌عنوان یک تهدید زیست‌محیطی نمی‌نگرند، بلکه این پدیده می‌تواند به سبب تأثیرات کوتاه‌مدت یا درازمدت آن، در حوزه‌های گوناگون، سرچشمه کشمکش‌ها و اختلاف‌های نوینی باشد (Toofan, 2010: 952-953). هرچند سوریه و عراق، خواهان همکاری در زمینه منابع آب بر پایه تقسیم آن‌ها مطابق با نیازشان هستند، اما تاکنون هیچ نمونه‌ای در جهان وجود ندارد که در آن برای همکاری در زمینه تقسیم آبی که از مرزها می‌گذرد، قیودی براساس مقداری که هر یک از کشورهای ذی‌ربط بر روی آن تصمیم می‌گیرد، گذاشته شده باشد (Barghi & Ghanbari, 2010). در مجموع، روابط بین این سه کشور، یک بازی با حاصل جمع «صفر» خواهد بود (Watkins & Brentell, 2007, p. 126).

منطقه خاورمیانه، یکی از کانون‌های مهم گردوغبار در کره زمین است و در میان کشورهای این منطقه، چند کشور در پیدایش این پدیده نقش بنیادینی دارند. ۶ کانون عمده بحران در منطقه وجود دارد که ۴ مورد از آن‌ها مربوط به کشور عراق است (Asgari, 2013: 4). با توجه به مرزگذر بودن پدیده گردوغبار، به نظر می‌رسد که کشورها بایستی بر پایه اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم عمل کنند. این اعلامیه به حقوق حاکمه کشورها در مورد منابعشان بر پایه سیاست‌های زیست‌محیطی و همچنین، تکالیف و مسئولیت آن‌ها در قبال این فعالیت‌ها که سبب آسیب رسیدن به محیط زیست کشورها یا مناطق خارج از محدوده ملی آن‌ها نشود، اشاره دارد؛ بنابراین، کشورها، به‌ویژه آن‌هایی که در معرض خطر این بحران هستند،

وظیفه دارند که همه تلاش خود را برای همکاری با یکدیگر در راستای کاهش پیامدها و جلوگیری کامل از این پدیده از طریق وضع قوانین داخلی مؤثر و اجرای برنامه‌های کاربردی داخلی و منطقه‌ای انجام دهند (Hosseini, 2012: 7).

کشور دیگری که خود نیز یکی از عوامل مهم پدیده گردوغبار به‌شمار می‌آید، عراق است. بدیهی است که این کشور باید در حل این معضل، نقش فعالی داشته باشد؛ ولی واقعیت چیز دیگریست. ارمغان حمله آمریکا به عراق، حذف یک دیکتاتور بود؛ اما به دلیل عدم برنامه‌ریزی برای یک عملیات مؤثر و ایجاد یک دولت کارآمد و متحد در عراق، هشت سال آشوب و درگیری داخلی در این کشور را در پی داشت. ایالات متحده در زمان اشغال عراق از سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ مرتکب اشتباه‌های فراوانی شد. به دستور برمر، رئیس دفتر موقت ائتلاف، ارتش عراق به‌طور رسمی منحل شد. اخراج افسران سنی‌مذهب و بیکار شدن ۴۰۰۰۰۰ سرباز، ایالات متحده را با مشکل روبه‌رو کرد؛ زیرا عراق در دوره بحرانی پس از سقوط صدام، نیازمند استقرار یک دولت نظامی بود و انحلال ارتش سبب بروز درگیری‌های شدید میان شیعیان و سنی‌ها و همچنین، اعراب و کردها شد.

(Cordesman and Khazai, 2014: 4-7). پس از روی کار آمدن نخستین دولت منتخب در آوریل ۲۰۰۵، عراق شاهد خشونت‌های فرقه‌ای فراوانی بوده است که نتیجه تبعیض بین اهل سنت و شیعیان، لفاظی‌های تند، بی‌حرمتی، بازداشت، شکنجه و کشتار برپایه اعتقادات مذهبی، حمله به مساجد و افراد ساکن در شهرها و محله‌ها برپایه هویت دینی است. تنش‌ها و خشونت‌های موجود میان گروه‌های قومی (به‌عنوان مثال، میان اعراب و کردها) یا میان شبه‌نظامیان شیعه (مانند سازمان بدر و ارتش مهدی) می‌تواند به فروپاشی عراق کمک کند (Zeihan, 2006: 2).

اکنون با توجه به شرایط بحران‌زده عراق و ظهور دولت ورشکسته در این کشور، نمی‌توان انتظار داشت که این کشور در مسائل منطقه، از جمله بحران ریزگردها، نقش جدی‌ای ایفا کند. عراق پیش‌از ایفای نقش منطقه‌ای فعالانه و ائتلاف‌سازی جدی، باید چالش‌های سیاسی و اقتصادی درونی خود را تاحدی حل و فصل و نیروی نظامی‌اش را بازسازی کند. این موضوع، ضرورتی مهم برای دنبال کردن سیاست خارجی متوازن و ملایم است. لزوم گسترش ظرفیت تولید نفت، بدهی حدود ۷۶ میلیارد دلاری، عقب‌ماندگی بخش کشاورزی، مشکلات معیشتی و اشتغال و مسائل دیگری مانند چالش‌های اقتصادی عراق، سبب تضعیف اقتصاد این کشور شده است (Assadi, 2012: 68-69).

کشور عراق از فردای سقوط صدام، همواره شاهد بحران و ناامنی بوده است؛ به گونه‌ای که بسیاری از

تحلیلگران، این کشور مصداقی از یک کشور ورشکسته می‌دانند. بمب‌گذاری، ناامنی، جدل و دشمنی جریان‌های سیاسی، تهدید به تجزیه، وجود گروه‌های مسلح مختلف، تأخیرهای طولانی در شکل‌گیری دولت، سیاسی شدن امور غیرسیاسی، مخالفت علنی و پنهانی با دولت، و نافرمانی مدنی و غیرمدنی، از مهم‌ترین ویژگی‌های عینی حیات سیاسی و امنیتی عراق به‌شمار می‌آیند که نمود فعلی و عینی آن، اشغال بخش زیادی از سرزمین این کشور، توسط گروه سلفی-تکفیری دولت عراق و شام، معروف به داعش، از یک سو و آمادگی اقلیم کردستان آن برای برگزاری همه‌پرسی استقلال از سوی دیگر است (Ahmadian & Gholami, 2014: 116).

شاید در بین تمام دلایلی که مطرح می‌شود، به یک موضوع کمتر توجه شده باشد و آن، حضور گروه تروریستی داعش در منطقه و ناامنی ایجادشده در عراق و سوریه است. موضوع ریزگردها و ناامنی ایجادشده توسط گروه داعش زمانی به همدیگر گره می‌خورند که کانون تشدید ریزگردها و هجوم آن به خاک ایران، با محدوده زیر نفوذ گروه تروریستی داعش، کاملاً یکسان است و همپوشانی دارد. بخش عمده منطقه اشغال‌شده از سوی گروه داعش را بیابان تشکیل داده است و عدم محافظت از این بیابان‌ها توسط دولت مرکزی و رها شدن بخش‌های بسیاری از زمین‌های کشاورزی توسط مردم محلی به دلیل هجوم داعش (بالغ بر ۳۴۰ هزار هکتار در قسمت‌هایی از خاک سوریه در حاشیه رودخانه فرات و حدود ۲۵۰ هزار هکتار در قسمت‌هایی از خاک عراق و در حاشیه رودخانه دجله) از جمله عوامل تشدید ریزگردها در منطقه به‌شمار می‌آیند (Naqibi, 2015).

عراق در طول دو دهه گذشته به دلیل ویرانی محیط زیست در جنوب و غرب کشور، کاهش میزان آب ورودی دجله و فرات، و ادامه بی‌ثباتی و جنگ با داعش، بیشترین نقش را در تولید ریزگرد داشته است. با توجه به وضعیت موجود، هرگونه برنامه‌ریزی در حوزه محیط زیست در این کشور، ماهیت تجملی و غیرواقعی خواهد داشت؛ از این رو، تازمانی که این کشور درگیر بی‌ثباتی داخلی و افت بهای نفت است، نمی‌توان به بهبود محیط زیست این کشور امید داشت. سوریه نیز وضعیتی بهتر از عراق ندارد (Kaviani Rad, 2016: 10). به‌طور طبیعی، درگیر بودن هر دولتی در جنگ داخلی فرسایشی‌ای که بیش از ۵ سال طول بکشد، سبب ضعف آن دولت می‌شود (Besharti; Lohrasbi & Nachkoochi, 2016: 82). شن‌های روان عراق، تا پیش از جنگ ایران و عراق، با مالچ‌پاشی تثبیت می‌شد و از ایجاد گردوغبار در عراق و ایران جلوگیری می‌کرد. از منظر حقوق بین‌الملل، کنوانسیون بین‌المللی بیابان‌زدایی که ایران و عراق، هردو عضو آن هستند، عراق را همچون هر کشور دیگری به مهار کردن کانون‌های فرسایش بادی و جلوگیری از

پدیده ریزگردها موظف و مکلف می‌کند. بیابان‌های رهاشده و تالاب‌های خشک‌شده عراق، سیزده میلیون هکتار است که حدود دو میلیون هکتار آن، به‌ویژه در دشت بین‌النهرین، کانون ریزگردهایی است که ایران را در معرض خطرهای جدی قرار داده است. واقعیت این است که دولت عراق با مشکلات و معضلات داخلی خود درگیر است و روابط ایران و عراق در وضعیت فعلی، به دلایل سیاسی و امنیتی، به گونه‌ای است که دولت ایران، حتی بر دریافت گرامت جنگی مشخص‌شده در قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، تأکیدی ندارد، چه رسد به درخواست گرامت و خسارت برای مالچ‌پاشی نکردن دشت بین‌النهرین. کشور عراق پذیرفته است که سالانه هزینه‌ای را برای مالچ‌پاشی ۲۰۰ هزار هکتار از زمین‌های مستعد فرسایش به ایران پرداخت کند که بنا به گفته معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست، عراق هنوز این مبلغ را پرداخت نکرده است (Zulfaqari, 2013: 11).

هرچند مسئولان کشور عراق با مالچ‌پاشی، بیابان‌زدایی، و گسترش پوشش گیاهی می‌توانند به راحتی مشکل ریزگردها را برطرف کنند، اما به دلیل وجود مشکلات سیاسی، موضوع مدیریت ریزگردها برای آن‌ها از اهمیت چندانی برخوردار نیست؛ بنابراین، تازمانی که تلاشی از سوی این کشور برای مدیریت ریزگردها انجام نشود، همچنان با این معضل روبه‌رو خواهیم بود. البته پیش از سرنگونی صدام، مالچ‌پاشی در این کشور انجام می‌شد و در نتیجه، معضلی به نام هجوم ریزگردها وجود نداشت؛ اما پس از حمله عراق به کویت و آمریکا به عراق، مالچ‌پاشی بیابان‌های اطراف عراق انجام نشد و این موضوع، زمینه‌ساز تشدید ریزگردها در این کشور شد. با وجود امضای تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی زیست‌محیطی، شرایط حاکم بر عراق، هرگونه اقدام عملیاتی را برای مهار گردوغبار ناممکن کرده است. در واقع، ناامن بودن عراق، در عمل، اقدامات و طرح‌ها را برای مهار ریزگردها ناکام گذاشته است و در شرایط کنونی، دولت عراق نمی‌تواند کاری از پیش ببرد (Baoj Lahouti, 2016). عراق، بدون انجام اصلاحات سیاسی مهم داخلی نمی‌تواند موفق شود. عامل اصلی و قدرتمند خشونت‌های فعلی عراق، جنبش‌های افراطی یا تقسیمات فرقه‌ای و قومی نیست، بلکه سیاست‌های شکست‌خورده و نظام حکومت‌داری آن است (H. Cordesman & Khazai, 2014). پرویز کردوانی، پژوهشگر ایرانی در حوزه محیط زیست، در گفت‌وگو با «آنا تولی»، جنگ و تنش در منطقه خاورمیانه را در تشدید بحران زیست‌محیطی ریزگردها در منطقه مؤثر دانسته و بیان کرده است: «وقتی در منطقه، تنش و ناآرامی هست، خاک نیز دستخوش ناآرامی شده و امروز بارزترین مصداق آن این است که شاهد معضل بزرگ ریزگرد در ایران، عراق و برخی کشورهای دیگر منطقه هستیم». وی افزود: «امروز در شهر بغداد، پایتخت عراق، شاهد افزایش آلودگی ناشی از ریزگرد هستیم و

در ایران نیز این معضل در استان خوزستان به کرات بروز پیدا کرده و زندگی شهروندان را مختل می‌کند. کما اینکه این مشکل، محدود به خوزستان نبوده و در ۲۲ استان کشور شاهد بروز ریزگرد بوده‌ایم و می‌توان گفت که امروز، ریزگرد، چالشی بزرگ در کشور و منطقه است. بخشی از ریزگرد خوزستان ایران از غرب بغداد نشئت می‌گیرد و ایران هم در این باره با عراق مذاکراتی داشته است؛ اما مسئله این است که عراق، درگیر جنگ است و به‌رغم مذاکرات و تلاش‌های ایران برای حل مشکل، دولت عراق نمی‌تواند کمک چندانی به حل این معضل کند. تالاب‌ها در این کشور خشک شده‌اند و حضور داعش در آن به تداوم این مشکل و همچنین، عدم کشت زمین‌ها که در ابعاد گسترده، جلوی بروز ریزگرد را می‌گیرد، دامن می‌زند و در چنین شرایطی، طبیعی است که نه تنها عراق، بلکه کشورهای دیگر منطقه نیز به صورت طولانی مدت درگیر ریزگرد شوند. بر این اساس، تا توقف جنگ و پایان تنش در منطقه نمی‌توان انتظار داشت که منشأ خارجی ریزگرد حل شود. علاوه بر عراق، دشت «تدمر» سوریه نیز یکی از کانون‌های ریزگرد در منطقه است که کمتر به آن اشاره شده، اما در تشدید بحران ریزگرد در منطقه مؤثر بوده است. مادام که در سوریه جنگ باشد، همانند عراق نمی‌توان امید به حل این مشکل در سطح منطقه داشت» (Rezaei, 2017).

عربستان نیز به‌عنوان بازیگر بزرگ و مسلط در منطقه، تا به حال تمایلی برای شرکت در مذاکرات و حل بحران‌های زیست‌محیطی نشان نداده و شواهد، حاکی از افزایش تنش سیاسی میان ایران و این کشور است. عربستان، دخالت نمی‌کند و به‌نظر می‌رسد، در شرایط کنونی از حضور در چنین ترتیباتی که با مدیریت تحولات از سوی ایران همراه باشد، سر باز می‌زند؛ از این رو، می‌توان گفت، فقدان حضور عربستان به‌عنوان یک بازیگر مؤثر در منطقه، در عمل، دستیابی به اجماع لازم برای شکل‌دهی امنیت زیست‌محیطی را کم‌رنگ و خنثی خواهد کرد (Besharti, Lohrasbi & Nachkoohi, 2016: 82). عربستان که خود از جمله منابع اصلی تولید ریزگرد در منطقه است و با اثرگذاری‌های سیاسی‌اش بر عراق، سوریه، یمن، و بحرین، فرایند مقابله با این بحران را به‌شدت با مشکل روبه‌رو کرده است، حاضر نیست در اجلاس بین‌المللی مقابله با گردوغبار حضور یابد و در فضایی عاری از تنش‌های سیاسی برای سلامت محیط زیست گام بردارد (Tabnak, 2017).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش بودیم که «چه عواملی، مانع شکل‌گیری یک رژیم همکاری زیست‌محیطی در خاورمیانه شده‌اند؟» از آنجا که هدف پژوهش، بررسی موضوع ریزگردهاست،

هسته اصلی این پژوهش را بحران ریزگردها تشکیل داده است. برپایه فرضیه مطرح شده «موانعی همچون بحران‌های خاورمیانه، از جمله بحران عراق و سوریه، و شکل‌گیری دولت‌های ورشکسته، بروز تنش‌های سیاسی در روابط کشورهای منطقه که در پی بروز این بحران‌ها نمود پیدا کرد، و همچنین اختلاف‌های هیدروپلیتیک بین این کشورها، مانع همگرایی آن‌ها در راستای حل و فصل بحران‌های زیست‌محیطی، به‌ویژه بحران ریزگردها، در منطقه شده است». کشورهای منطقه باید این واقعیت را بپذیرند که مشکلات زیست‌محیطی، تهدید مشترکی برای امنیت و آینده همه آن‌هاست و براین اساس، همه طرف‌ها، مسئولیت رویارویی با چنین بحرانی را بپذیرند. با توجه به اوضاع نابسامان منطقه به لحاظ سیاسی-امنیتی، تاکنون شاهد شکل‌گیری سازوکاری دسته‌جمعی برای غلبه بر بحران ریزگردها در سطح منطقه نبوده‌ایم. اگرچه نشست‌های دوجانبه یا چندجانبه‌ای در سطح نمایندگان کشورها برگزار شده است، اما همکاری چندجانبه کشگران منطقه‌ای، دستورالعمل‌ها و دیپلماسی چندجانبه‌ای را می‌طلبد. بحران ناامنی در عراق در این مقطع حساس، هم قابلیت اثرگذاری نهادهای ذی‌ربط در حوزه‌های زیست‌محیطی بر حل و فصل موضوع ریزگردها را به کمترین میزان رسانده و هم تسلط گروه‌های تروریستی بر مناطق اولویت‌دار در مقوله ریزگردها را در پی داشته است. تنش‌های بی‌سابقه میان ایران و عربستان که به دنبال شکل‌گیری دگرگونی‌های سال ۲۰۱۱ رخ داد، رسیدگی به دستورکارهای زیست‌محیطی در حوزه ریزگردها را بیشتر از هر زمان دیگری به فراموشی سپرده است. درحالی که عربستان سعودی، خاستگاه بخش مهمی از بحران ریزگردها به‌شمار می‌آید، انتظار هرگونه اقدام دیپلماتیک میان طرفین در این باره دوراز ذهن است. ترکیه نیز همچنان در حوزه‌های هیدروپلیتیک در پی کسب حداکثر سود ممکن است و با ساخت سدهای «ایلپسو» و «آتاتورک» نشان داده است که قصد هیچ‌گونه همکاری و همنوایی با دولت عراق و سوریه را ندارد. با وقوع بحران‌ها و تنش‌های سیاسی میان ترکیه و سوریه از یک سو، و ترکیه و کردهای عراق از سوی دیگر، به نظر نمی‌رسد که در آینده نزدیک، شاهد شکل‌گیری سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای برای غلبه بر بحران ریزگردها باشیم. در واقع، می‌توان گفت که اوضاع نابسامان عراق و ناتوانی مدیریتی و ساختاری این کشور در سازماندهی چالش ریزگردها، تنش‌های میان ایران و عربستان، ایران و ترکیه، و ترکیه و سوریه، پس از دگرگونی‌های سال ۲۰۱۱ در منطقه، و همچنین، اختلاف‌های هیدروپلیتیک عراق و سوریه با ترکیه، مدیریت چالش ریزگردها را از اولویت سیاست‌گذاری‌ها خارج کرده و هرگونه همگرایی منطقه‌ای در این عرصه را دوراز ذهن کرده است. برای حل این گونه بحران‌های زیست‌محیطی، به مجموعه‌ای از عوامل گوناگون مانند اجماع‌سازی، به کارگیری دیپلماسی چندجانبه، و همچنین، بهره‌گیری مطلوب از نهادهای

قواعد، و رژیم‌های بین‌المللی نیاز داریم که متأسفانه با وجود فراملیتی بودن مسئله ریزگردها، در حال حاضر، وضعیت مطلوبی ندارد. تهدیدهای زیست‌محیطی در خاورمیانه، مانند جنبه‌های دیگر امنیت، امنیت کشورها را تهدید می‌کند و چه بسا در آینده، پایگاه مادی دولت‌های این منطقه را دچار آسیب کند. کشورهای منطقه باید به این باور قطعی برسند که امنیت اجتماع‌های بشری، نه تنها به مسائل سیاسی و نظامی، بلکه (بر پایه نظریه بوزان) به پنج مقوله نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی تقسیم می‌شود؛ با اینکه این پنج بخش از یکدیگر جدا نمی‌شوند و به هم وابسته‌اند، اما در دو دهه اخیر، شاهد بوده‌ایم که روزبه‌روز بر بعد محیط‌زیستی امنیت افزوده شده است که ناظر بر حفظ محیط، به‌عنوان سیستم پشتیبانی ضروری‌ای است که تمام زندگی بشر به آن متکی است. طرح امنیت زیست‌محیطی، به دلیل فراگیر بودن، نیازمند این است که این بعد از امنیت که در گذشته توجه زیادی به آن نمی‌شد، در کانون توجه کشورهای خاورمیانه قرار گیرد؛ اما غلبه بر بحران‌های زیست‌محیطی، از جمله ریزگردها، تا حد زیادی به ارتقای روابط دیپلماتیک و کاهش نگرانی‌های امنیتی بین کشورها بستگی دارد که در حال حاضر، چندان مهیا به نظر نمی‌رسد.

منابع

- Abdi, Ataolah & Mokhtari, Hossein, (2005). "A Look at Iran's Hydropolitical Opportunities and Threats". *Geopolitical Special Issue*, 226-194. (in Persian)
- Akbari Rad, Tayebeh, (2013). "The Role of Islamic Teachings in Reducing Environmental Crises". *Environmental Science*, 39, (1),. 80-73. (in Persian)
- Amin, Seyyed Hassan (2013). "Iraqi Dust is One of the Factors in the Defeat of the Sassanids from the Arabs". *Hafez*, (103). 22-21. (in Persian)
- Amiri, Ali, Omid, Mehdi & Ahmadi, Hamin (2013). "Study of the Role of Political Factors in Aggravating the Dust Phenomenon". *Proceedings of the First International Conference on Dust. Factors and Consequences Management*, May. (in Persian)
- Asgari, Sohrab (2013). "Environmental Geopolitics and Arab Dust". *Proceedings of the First International Conference on Dust, Factors and Consequences Management*, May. (in Persian)
- Asgarkhani, Abu Mohammad (2002). "Theory of International Regimes". *Journal of the Faculty of Law and Political Science* 57(508). (in Persian)
- Asiaei, Mehdi (2006). "Drought Monitoring in Mashhad Using Palmer Drought Index". *Journal of Geography and Regional Development*, 7. (in Persian)
- Baoj Lahouti, Mehrdad (2016). "The Occurrence of Dust Problems Due to the Negligence of Neighboring Countries". available at: www.salamatnews.com.

- (in Persian)
- Barqi, Hamid & Ghanbari, Yousef (2010). "Water Crisis, the Basic Challenge of the Islamic World". Proceedings of the *Fourth International Congress of Geographers of the Islamic World*. (in Persian)
- Besharati, Mohammad Reza & Lohrasbi Nachkoochi, Shahab (2016). "Study of the Role of Qatar in the Syrian Crisis and its Impact on the Political Security of the Islamic Republic of Iran". *Defense Management and Research*. (80) pp. 92-59. (in Persian)
- Cordesman, Anthony & Khazai, Sam (2014). "Iraq in Crisis". *Middle East Report*. Available at: csis (center for strategic and international studies).
- Dashti, Tarnam (2016). "The Phenomenon of Hostage Dust in the Region Security Crisis/ The Future Challenge of Iraq is the Environmental Crisis". available at: Khabarfarsi.com (in Persian)
- Ebrahimi, Nabiollah (2015). "Wahhabi Salafism; Identity Distinctions of Saudi Arabia and Iran". *National Studies*, (63), 160-145. (in Persian)
- Asadi, Ali Akbar (2012). "Foreign Policy of the New Iraq and National Security of the Islamic Republic of Iran". *Strategic Studies of the Islamic World*, (52), 86-61. (in Persian)
- Enayati Shabkalai, Ali; Atharin, Seyed Assadollah & Haji Mina, Rahmat (2015). "A Comparative Study of Iran-Turkey Public Diplomacy in Iraq and Syria". *Political Studies of the Islamic World*, (14), 94-73. (in Persian)
- Eyvazi, Mohammad Rahim & Hosseini Abdullah (2015). "The Future of Iran-Turkey Relations in the Light of Recent Developments in the Arab World". *Political Studies of the Islamic World*, (14), 120-95. (in Persian)
- Gerhart, Mazur & Azarang, Abdolhossein (1988). "What is a Crisis and When Does it Occur". *Kayhan Farhangi*, (51), 23-20. (in Persian)
- Ghaffari Gilande, Atta; Nazmfar, Hossein & Farokheh, Saman, (2016). "Study of the Origin of Fine Dust and its Environmental Challenges and Provide a Solution to deal with Dust Storms". *The Third Scientific Conference on New Horizons in Geography and Planning, Architecture and Urban Planning in Iran*. June . (in Persian)
- Gholami, Tahmourth & Ahmadian, Qudratullah (2014). "The Nature of Government and National Security in Iraq". *Defense Policy*, (88), 152-115. (in Persian)
- Haghighi, Ali Mohammad & Klitsch, Ali Akbar (2016). "Future Studies of Iran-Saudi Arabia Relations". *Future Studies and Policy Studies*, (2), 4, 26-21. (in Persian)
- Hosseini, Seyed Mohammad (2012). "Legal study of fine Dust from the

- Perspective of Faramarz Pollution with a Brief Look at the Situation in Iran", *Environment*, 52. (in Persian)
- Joyce.R, Star; A. Tabatabai (1992). "Water Crisis Underlying Future Conflicts in the Middle East". *Quarterly Journal of Political-Economic Information*, (55-56), 46-40. (in Persian)
- Jumeh, Shahrbanoo (2016). "Iran-Riyadh Diplomatic Roots". *Jam Jam Newspaper*, available at: <http://www.irna.ir/fa/News/82373765>. (in Persian)
- Karami, Afshin, Hassanzadeh, Javad & Pishgahifard, Zahra (2016). "The Impact of Hydropolitics on Iraq-Turkey Relations with Emphasis on the Tigris and Euphrates". *Political Studies of the Islamic World*, 5, (17). (in Persian)
- Karamshahi, Sakineh et al. (2013). "Dust Generation and Use of Nanotechnology as a Solution to Prevent air Pollution". *Proceedings of the First International Conference on Dust, Factors and Consequences Management*. May. (in Persian)
- Karimi Ahmadabad, Mustafa & Shokouhi Razi, Kamyar (2011). "In the action of Atmospheric Circulation and Land Cover in the Mechanism of Formation and Spread of Summer Dust Storms in the Middle East (Dust Storm July 2009)". *Natural Geography Research*, (78). 130 -113. (in Persian)
- Kaviani Rad, Morad (2016). "Regional Cooperation; A Solution to the Dust Problem". *National Security Watch Monthly*, (52). (in Persian)
- Kermani, Majid; Taherian, Elham & Izanloo, Maryam (2016). "Analysis of Satellite Images of Fine Dust and Dust Storms in Iran in Order to Investigate Internal and External Sources and Their Control Methods". *Rahavard Salamat Journal*, 2, (1). (in Persian)
- Keshavarz Shokri, Abbas & Sadeghian, Hajar (2013). "Foreign Policy and Positions of the Iranian and Turkish Governments on the Syrian Crisis". *Political Research in the Islamic World*, (9), 106-75. (in Persian)
- Khaleqinejad, Maryam (2017) "Turkish Hydropolitical and Water Threats to Iran's Interests". Available at: www.iiwfs.com (in Persian)
- khandan, Syrus; Rokabian, Rashid & Elehpour, Mehrdad (2016). "An Autopsy of the Yemeni Political-Security Crisis from the Perspective of the Copenhagen School". *Political Strategy Quarterly*, (4),12. (in Persian)
- Masoud Nia, Hossein; Foroughi, Atefeh & Chalmaghani, Marzieh (2012). "Turkey and the Syrian crisis from mediation to support for the opposition". *Political Studies of the Islamic World*, (4), 110-83. (in Persian)
- Mirsanjari, Mir Mehrdad (2017). "Turkish Hydropolitics and Environmental Crises in Iran and the Middle East". International Center for Peace Studies. available at: Peace-ipsc.org. (in Persian)

- Mokhtari Hashi, Hossein & Ghaderi Hajat, Mostafa (2008). "Middle East Hydropolitics on the Horizon of 2025 AD; Case Study: Tigris and Euphrates Basins, Jordan River and Nile River". *Geopolitics*, (4), 1, 74-36. (in Persian)
- Mosllanejad, Abbas, (2012). "Identification of Shiites and the New Geopolitics of the Middle East". *Geopolitical Quarterly*, (8), 1, 171-135. (in Persian)
- Mousavi, Aziz (2016). "The Phenomenon of Dust Hostage Crisis in the Region; Iraq's Next Challenge is the Environmental Crisis", available at: <http://www.irna.ir/fa/News/82443273>. (in Persian)
- Mousavi, Seyed Hafez et al. (2016). "The Impact of the Arab World Developments on the Regional Policy of Iran and Turkey". *Geopolitics*, (41), 188-166. (in Persian)
- Naqibi, Mohsen, (2015). "ISIL and Dust mites, Iran-era News analytics Site". available at: www.asriran.com. (in Persian) .
- Noorani, Mahmoud (1396). "The Dust Crisis; A Challenging Factor in Human Security in Southwest Asia". available at: www.farsnews.com. (in Persian)
- Ranjbar Heydari, Vahid & Jamshidi, Ebrahim (2016). "Study of the Concept of Environmental Security with a Look at the Challenges of Environmental Security in Iran". *Socio-Cultural Strategy*, (21), 227-199. (in Persian)
- Ranjkish, Mohammad Javad & Latifan, Navid Reza (2016). "Study of the Impact of Russia-US Competition on the Convergence and Regional Divergence of Central Asia (2001-2008)". *Quarterly Journal of Central Eurasian Studies*, (9), 2, 288-269. (in Persian)
- Rezaei Moghadam, Mohammad Hossein & Mehdian Boroujeni, Mojtaba (2015). "Detection of Particulate Matter Using AVHRR Sensor Images of NOAA Satellite (Case Study: Southwest of Iran)". *Geography and Environmental Sustainability*, (17), 13-1. (in Persian)
- Rezaei, Narges (2017). "Iranian Researcher: Turkey Has an Important Role in Water Supply in the Region in the Future, Anatolian News Agency". available at: Natewspaper.com(in Persian)
- Rostami, Farzad; Eyoman, Mohammad Saleh & Habili, Karam Reza (2015). "Persian Gulf Regional Security System and Its Impact on Post-Saddam Iraqi National Security". *Strategy Quarterly*, (25), 78, 191-220. (in Persian)
- Sadeghi Aval, Hadi; Naqdi Eshratabad, Jafar & Mirkoushesh, Amir Houshang (2015). "Analysis of Iran-Saudi Arabia Relations from the Perspective of Motivational Realism (2015-2015)". *Quarterly Journal of International Political Research*, (25), 156-129. (in Persian)
- Sadeghi, Seyed Shamsuddin & Naderi, Massoud (2016). "Analysis of the

- Dimensions of Government Security in Iran in the 21st century". *Quarterly Journal of Government Studies*, (2), 5, 165-202. (in Persian)
- Sadeghi, Seyed Shamsuddin (1997). "Hydropolitics and the Water Crisis: Future Challenges in the Middle East and the Persian Gulf". *Political and Economic Information*, (115 -116), 207-200. (in Persian)
- Sadeghi, Shamsuddin; Ahmadian, Ghodrat & Safaei, Alireza (1399). "The Impact of Geopolitical Political Developments in Iraqi Kurdistan on the National Security of the Islamic Republic of Iran and the Influential Role of the United States and Israel in It (Based on the Copenhagen School and the Regional Security Complex). *International Politics and Magazine*, (3), 6. (in Persian)
- Saei, Ahmad & Masoumi, Majid, (2010). "Terrorism Strategy, Government Security and Individual Security". *Encyclopedia*, (78), 103-77. (in Persian)
- Shahbazi, Tahoori (2015). "The Smoke of War in the Eyes of the Environment / ISIL, a New Environmental Threat in the Middle East". Available at: www.khabaronline.ir(in Persian)
- Sika, Saaduddin (2013). "Explaining the Regional Position of Iran and Saudi Arabia after 2003 Based on the Theory of Position Allocation". *Middle East Studies*, (74), 96-73. (in Persian)
- Tabnak, (2017). "Saudi Arabia's confrontation with Iran's International Effort to Combat Dust". available at: [fa / news / 706534](http://fa/news/706534)<http://www.tabnak.ir/>(in Persian)
- Terrill, Andrew (2011). "The Saudi-Iranian Rivalry and the Future of Middle East Security (2011)". Available in www.dtic.mil/dtic/tr/fulltext/u2/a555137.pdf.
- Toofan, Massoud, (2010). "Challenges and Prospects of Regional Cooperation in Dust Control". *Foreign Policy*, (95), 958-943.
- Watkins, Kevin & Brentell, Anders, (2007). "How to Avoid Water War". *Western Tourism*, (45), 128-123.
- Yaghoobifar, Hamed (2013). "Typology of Turkish Foreign Policy in the Middle East". *Foreign Policy*, (107), 988-965.(in Persian)
- Zeihan, Peter (2006). "The Next Iraq War, Sectarianism and Civil Conflict". *Middle East Report*, No 52-27 february 2006, Available at: <http://zeihan.com/the-next-iraq-war/>.
- Zolfaghari, Hassan (2013). "Dust: A Review of Scientific Studies and Risk Management in Iran". *Proceedings of the First International Conference on Dust, Factors and Consequences Management*, May.